



شکل گیری و تقویت هویت اسلامی - ایرانی کودکان و راهکارهای اجرایی آن

Formation and strengthening of the Islamic-Iranian identity of children and its implementing strategies

Mohammad Sadegh Besharat Nia

محمدصادق بشارت نیا*

Farahnaz Emadi

فرحناز عمادی**

Abstract

The purpose of the present research is to investigate the meta-analysis deep Inquiry on Islamic-Iranian Children's Identity as well as providing solutions for its implementation to that end, operational and operational solutions tailored to the educational system and Islamic-Iranian culture of the country given the complexities of the current world and the surroundings of children by a variety of visual and audiovisual media and especially cyberspace provide practical and scientific solutions to the education of the country very necessary. This paper uses qualitative studies and studies and when the researchers arrived at a theoretical saturation find their findings as a meta-analysis study. Since the researchers of this research, self-employed are education professionals and are closely associated with pre-school elementary students, therefore, studying the importance of forming and strengthening the identity of Iranian children, provides in-depth information for reflection. Given the identity of individuals in childhood it begins to evolve it is established in adolescence and youth, therefore, qualitative study of how to form it and strengthen it is very necessary in childhood.

Keywords: Islamic-Iranian Identity, children, Identity formation

چکیده

هدف پژوهش حاضر که پژوهشی از نوع فراتحلیل می باشد بررسی عمیق هویت اسلامی-ایرانی کودکان و همچنین ارائه راهکارهایی در جهت اجرای آن می باشد تا از این رهگذر، راهکارهای عملیاتی و قابل اجرا و متناسب با نظام آموزشی و فرهنگ اسلامی-ایرانی کشور به دست آید. با توجه به پیچیدگی های دنیای کنونی و احاطه شدن کودکان توسط انواع رسانه های دیداری و شنیداری و به ویژه فضای مجازی، ارائه ی راهکارهای عملی و علمی در آموزش و پرورش کشور بسیار ضروری می نماید. در این مقاله از مطالعات و بررسی های کیفی استفاده شده و زمانی که محققان به اشباع نظری رسیده اند، یافته های خود را به صورت یک مطالعه فراتحلیلی ارائه کرده اند. از آن جا که محققان این پژوهش، خود از جمله دست اندرکاران آموزش و پرورش هستند و از نزدیک با نوآموزان دوره پیش دبستانی در ارتباط هستند، لذا بررسی و مطالعه ی اهمیت شکل گیری و تقویت هویت کودکان ایرانی، اطلاعاتی عمیق و درخور تأمل را به دست می دهد. با توجه به این که هویت اشخاص در دوران کودکی شروع به تکوین و شکل گیری می کند و در دوره نوجوانی و جوانی به تثبیت می رسد، بنابراین مطالعه ی کیفی چگونگی شکل گیری و تقویت آن در دوره کودکی بسیار ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: هویت اسلامی-ایرانی، کودکان، شکل گیری هویت

*نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه اصفهان، عضو گروه های

آموزشی راهبران استان فارس، پست الکترونیکی: mohammadsadegh698@gmail.com

**کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، رییس اداره پیش دبستانی و دوره اول آموزش ابتدایی اداره کل

استان فارس

برخلاف تصور گذشته که شکل گیری شخصیت کودک را در سنین شروع مدرسه می دانستند اما در عصر حاضر روانشناسان ثابت کرده اند که بهترین زمان شکل گیری شخصیت کودک در سنین قبل از دبستان و بهترین زمان آن سن ۲ تا ۶ سالگی می باشد. آموزش ها و نکات تربیتی که در این دوره برای کودک در نظر گرفته می شود به علت تأثیر گذاری در شکل گیری شخصیت آنان بسیار حساس بوده و لازم است در این زمینه دقت نظر فراوانی به خرج داد. در این میان هستند بسیاری از کودکانی که علاوه بر فراگیری این نکات تربیتی در خانواده و در دامن مادر، در پیش دبستانی و مهد کودک نیز نکات تربیتی و آموزشی فراوانی را می آموزند. بنابراین با توجه به حساسیت این دوره سنی در فراگیری آموزش ها، کارشناسان کودک نقش پیش دبستانی ها و مهد کودک ها در شکل گیری شخصیت کودک را بسیار مهم و مؤثر می دانند که می توانند با انجام اقدامات آموزشی و تربیتی مناسب در رابطه با کودک، آینده ای روشن و مفید را برای وی رقم بزنند. حضور کودک دو سال به بالا در مهد کودک و در ادامه در پیش دبستان ها از نظر روحی و روانی بسیار تأثیر گذار است. در واقع، شخصیت کودک در همین سنین قبل از دبستان شکل می گیرد و اگر کودک به مهد کودک ها و پیش دبستانی هایی سپرده شود که مربیان آگاه، کار بلد و برخوردار از دانش روز علوم تربیتی و روان شناسی داشته باشند، قطعاً این عامل مهم زمینه ساز بروز خلاقیت و شکوفایی در کودک می شود و در شکل گیری شخصیت کودک در آینده بسیار مؤثر واقع خواهد شد.

اگر رفتار نامناسبی که کودک یاد گرفته، در سنین قبل از دبستان خاموش نشود کنترل این رفتار ناشایست در آینده و حتی در همان دوره دبستان بسیار سخت خواهد بود؛ چرا که شخصیت فرد بر اساس همان رفتار ناشایست در سنین کودکی و قبل از دبستان شکل گرفته و در دوره های بعد نیز بروز و ظهور پیدا می کند.

اولیا و مربیان در زمان های گذشته، سنین تا هفت سالگی و قبل از ورود به مدرسه را اصلاً جدی نمی گرفتند و به اشتباه این دوران را دوره ای عنوان می کردند که کودک چیزی نمی فهمد و از هفت سالگی به بعد مطالب را می آموزد؛ غافل از این که این دوره به ویژه سنین دو تا شش سالگی دوره مهمی بوده و آن چه را که کودک در این سنین می بیند و می شنود در ذهنش به خوبی ثبت می شود و در آینده بروز می کند.

در حقیقت، کودکانی که به مهد می روند، در آینده اعتماد به نفس بالایی داشته و خیلی بهتر می توانند در جامعه از حق خود دفاع کنند. یک مهد کودک و یا پیش دبستانی با کارکرد خوب خود می تواند در اجتماع، اقتصاد، صنعت و ... تأثیر داشته باشد؛ چرا که والدینی که در جامعه به خدمت مشغول هستند با فراغ بال و خاطری آسوده و عدم نگرانی از کودک خود به فعالیت خود مشغول هستند ضمن اینکه همین کودکانی که به مهد می روند استعدادها و خلاقیت آنها شکوفا شده و با خلق این استعدادها در آینده برای جامعه مثمر ثمر خواهند بود.

توجه به عناصر هویت، فرآیند هویت یابی کودکان و ارائه راهکارهای اجرایی در جهت کمک به شکل گیری و تقویت هویت ایرانی- اسلامی کودکان امری ضروری است و بسیاری از اهداف و برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت توسعه ای کشور بدون توجه به این موضوع محقق نخواهد شد.



آموزش و پرورش اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. برای این منظور نگرش آموزش و پرورش به برنامه های درسی و فعالیت های کلاس درس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی، دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت های زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی را محور برنامه های آموزشی و تربیتی قرار دهد.

رشد و شکل گیری شخصیت و تقویت هویت و نظام ارزشی ملی، دینی و انسانی دانش آموزان ایرانی، مهم ترین وظیفه ی تربیتی نهاد آموزش و پرورش است و تربیت شهروندی ملی و جهانی از طریق آموزش درست اندیشیدن، باید به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از برنامه ها و فعالیت های درسی مدارس در نظر گرفته شود.

آموزش و پرورش کشور ما اگر بخواهد به هویت ملی و نظام ارزشی کودکان و نوجوانان اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. نادیده گرفتن این وظیفه مهم، نه تنها باعث فقر هویتی و محدودنگری جهان بینی گروه های بزرگی از دانش آموزان خواهد شد بلکه زمینه جذب بی رویه ی گروه های وسیع دیگری از آنان به فرهنگ و سبک زندگی بیگانه را نیز فراهم خواهد کرد (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

۱-جهانی شدن

در عصر حاضر که به عصر انفجار اطلاعات معروف است و انبوهی از مطالب گوناگون و رنگارنگ، کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان را احاطه کرده است، تنها راه کمک به کودکان و نوجوانان جهت تشخیص اطلاعات صحیح و ایستادن در مقابل هجمه ی فرهنگی بی سابقه ای که ایجاد شده است، شناساندن هویت حقیقی اسلامی و ایرانی اصیل به ایشان است تا از این رهگذر هویتی در آنان نهادینه شود که در برابر تمام تهاجمات فرهنگی و اطلاعات گوناگون، ایمن باشد.

در نیم قرن اخیر تحولات گسترده ای در تمامی ابعاد زندگی بشریت روی داده است که دلیل عمده ی آن پیشرفت سریع و بی وقفه ی فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است. این تحولات موجب شده تا افراد از سطحی محلی و ملی به افرادی در سطح جهانی تبدیل شده و ارتباطات نوینی شکل بگیرد.

جهانی شدن موجب انتقال بسیار سریع فرهنگ و سبک زندگی مدرن در تمامی حوزه های زندگی و حتی باعث تغییر در ارزش ها و هویت و روابط انسانی و عواطف انسان ها در تمام جهان شده است (استیگلس، ۱۳۸۲؛ ادواردز و اشرف، ۲۰۰۰؛ بن ونیسته، ۱۹۹۹). بررسی عمیق و شناخت علمی چالش عظیم جهانی شدن و پدیده ی خروشان که با ارزش های فرهنگی، سرنوشت و هویت ملی و با حیات روزمره ی تعلیم و تربیت و حتی با زندگی فردی و خانوادگی ما عمیقاً مرتبط شده، ضرورتی انکارناپذیر است.

جهانی شدن نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ ها و نظام های آموزشی و هویت مردم نیز تأثیر می گذارد (کارنوی، ۱۹۹۹؛ کارنوی و راتن، ۲۰۰۲). به همین دلیل برنامه ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی تواند بدون توجه عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها صورت گیرد.

۱-۲ هویت

هویت، در مقوله‌ی شخصیت، به معنای خود اساسی و مستمر فرد و مفهوم درونی و ذهنی است که او از خویش به عنوان یک شخص دارد. در این صورت، ویژگی‌های شخص مثل هویت فردی، هویت جنسی، هویت شغلی، هویت اجتماعی، هویت اخلاقی، هویت فرهنگی، هویت دینی و هویت ملی مشخص می‌شود.

در روان‌شناسی شخصیت، سه مفهوم خود، هویت و نظام ارزشی جایگاه محوری دارند. در این میان، دو جنبه از مفهوم خود، یعنی دریافت از خود و ارزشمندی خود، چهار جنبه از مفهوم هویت، یعنی دست‌یابی به هویت، تعلیق هویت، توقف هویت و اغتشاش هویت و طیف وسیعی از مراتب نظام ارزشی حائز اهمیت اساسی در شناخت وضعیت و تحول کودکان، نوجوانان و جوانان است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵).

هویت دینی و ملی متشکل از عناصری است که با تعریف شناخته شده از مفهوم هویت بررسی می‌شود. هویت سالم دینی اساساً بر باورهای قدسی جاودانه، خیر طلبی و اخلاق انسانی، عقلانیت و واقع بینی و عمل به موازین اصیل دینی تکیه دارد. از سوی دیگر هویت ملی مربوط به ریشه‌های تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، تابعیت دولتی مشترک، سنن فرهنگی مشترک و زبان رسمی مشترک است (استفان تیرنی، ۲۰۰۰). هویت ملی و دینی کودکان و نوجوانان بخش مهمی از هویت عمومی آنان است. هویت ملی و دینی ما ایرانیان، با توجه به دیرپایی تاریخ و فرهنگ ایران، حاکی از پای بندی و تعهد به حقیقت و جوهر هستی، احساس تعلق عمیق روحی و فکری به سرزمین آبا و اجدادی مردم، تاریخ، فرهنگ، سنن و شیوه زندگی ایرانی و دربرگیرنده‌ی جوانب گوناگونی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت از باورهای دینی، احساس ایرانی بودن، تعلق خاطر به تاریخ و تمدن، اخلاق و سنن ملی، زبان، ادبیات و هنرهای ملی، تعهد در حفاظت از سرزمین، استقلال طلبی و اقتدار ملی و تلاش برای رشد و پیشرفت کشور است.

۱-۳ نظام ارزش‌ها

ارزش‌ها در شمار درونی‌ترین لایه‌های شخصیت فرد است و شناخت دقیق از هر فرد در گرو شناخت این ارزش‌ها و گرایش‌های ارزشی و هویتی اوست. ارزش‌ها را می‌توان شکل‌دهنده‌ی پایه‌های نظام رفتاری فرد دانست که دارای بیشترین تأثیر در کنش‌ها و واکنش‌های اوست. این ارزش‌ها در بعد روان‌شناختی مهم‌ترین منبع برای درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی مجموعه‌ای از عقاید و هدف‌ها است که فرد در جریان رشد و جامعه‌پذیری، آن‌ها را به دست می‌آورد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد. هر یک از ارزش‌ها را می‌توان عقاید پایدار فرد نسبت به شیوه‌ی خاصی از رفتار یا هدف‌نهایی زندگی دانست که از نظر فردی و اجتماعی در مقابل شیوه‌ی دیگری از رفتار قابل ترجیح است.

۱-۴ هویت اجتماعی کودکان و نوجوانان

چالش‌های اجتماعی مربوط به جهانی شدن، موجب شده است که بسیاری از مردم، به ویژه نوجوانان و کودکان، بر سر دوراهی انتخاب بین سنت‌های قدیمی و زندگی مدرنیته سرگردان شوند و درجاتی از بحران هویت را تجربه کنند. ذکر این نکته ضروری است که رفتارهای اجتماعی و شهروندی در دوره دبستان شکل جامعه‌پسند خود را پیدا می‌کند.



۱-۵ نقش مدرسه در چگونگی نگرش کودکان و نوجوانان به فرایند جهانی شدن

یافته های تحقیق لطف آبادی (۱۳۸۵) نشان می دهد که مدارس نتوانسته اند نقش مؤثری در نگرش فعال و منطقی دانش آموزان به پدیده ی جهانی شدن داشته باشند. یافته های این تحقیق نشان می دهد که نظر نوجوانان بیشتر این است که آموزش جهانی شدن در برنامه ها و جریان تدریس و در فعالیت های فوق برنامه نتوانسته است نگرش معقولی را در آنان ایجاد کند و آموزش مناسبی در قبال پدیده ی جهانی شدن به آنان ارائه نشده است. مدارس بیشتر از آن که موجب شکل گیری نگرشی منطقی و معقول به فرایند جهانی شدن بشوند، نقش معکوس ایفا کرده و به پذیرش جهانی سازی یعنی رویکردی منفعل و پذیرا منجر شده است.

۱-۶ شهروندی و هویت ملی

شهروندی نوعی از اجتماعی شدن و حاکی از آماده شدن برای زندگی در جامعه ی محلی، ملی و جهانی است، اما با وجود این که حقوق و مسئولیت های عمومی انسانی در جوامع گوناگون همانندی دارد، آن چه در این میان اهمیت بیشتری می یابد، عضویت فرد در جامعه ی ملی است (ویلیام دامون، ۲۰۰۱). پرورش هویت سالم ملی در میان شهروندان یک کشور نشانه ی روشنی از وفاداری به شهروندی جهانی و انسانی نیز هست.

در کشوری نظیر ایران که جامعه ای است متکثر و مملو از گروه های گوناگون اجتماعی و فرهنگی، تربیت شهوندانی که به حقوق برابر و انسانی تمام هموطنان خود احترام بگذارند و کرامت انسانی همه ی آنان را پاسداری کنند، نشانه ای از تربیت شهروندی جهانی و حرمت گذاشتن به تمامی انسان ها نیز هست مشروط بر آن که هیچ یک از افرادی که هویت ایرانی دارند، دچار تبعیض نشوند.

برای آن که مهارت های مشارکت شهروندی متناسب با هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی در بین دانش آموزان شکل بگیرد، آنان باید با تمام میراث فرهنگی و هویت ملی و دینی خود آشنا شوند و زندگی خود را متناسب با زندگی در جهان کنونی سازماندهی کنند. در واقع، تربیت شهروندی با استحکام بخشیدن به هویت ملی دانش آموزان و حرمت و کرامت انسانی آنان گره خورده است.

روش تحقیق

روش مطالعه و پژوهش، کیفی است و محققان این پژوهش، به مطالعه و بررسی عمیق و نظری هویت اسلامی-ایرانی کودکان و راهکارهای اجرایی در جهت کمک به شکل گیری آن پرداخته اند. پژوهش ارائه شده از نوع فراتحلیل می باشد و محققان پس از رسیدن به اشباع نظری، یافته های خود را ثبت نموده اند.

یافته ها

کودکان در دوران کودکی، کم کم درک می کنند چه کسی هستند و چه موقع و مقامی در جامعه خود دارند. آنان الگوهای کنش متقابل اجتماعی پایداری با دیگران تشکیل می دهند و قواعد اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را در هم ادغام می کنند و آن را به

صورتی در می آورند که بتوانند به کمک آن به رفتار خود نظم دهند. هنگامی که کودک به اواخر دوران ابتدایی می رسد آن حس اولیه او از خویشتن به صورت شبکه پیچیده و نسبتاً ثابتی از ادراکات و احساسات در می آید. در کودک به عنوان یک دختر یا یک پسر و یا عضوی از اعضای گروهی اجتماعی یا قومی حس هویت ایجاد می شود. آغاز حس همدلی و تسلط بر خود که در سال های نو پای آشکار بود از جنبه های عمده شخصیت و رفتار کودک در دوران کودکی می شود.

هفت سال اول زندگی کودک، یعنی سنین پیش دبستانی، پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می دهد و اگر این دوره آن گونه که پیامبر خدا فرمودند با عطف و مهرورزی، همدلی و همراهی، غلیان و فوران احساسات خوشایند، محبت پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی ترین، سالم ترین و متعادل ترین ستون های تکوین شخصیت پی ریزی می شود و این قبیل بچه ها بیشترین آمادگی روانی و ذهنی را برای یادگیری (هفت سال دوم) می یابند و آمیزه ای از محبت پذیری و آموزش پذیری، آنان را برای دوره مشورت پذیری و رایزنی با بزرگ ترها (هفت سال سوم) آماده می کند. از نظر مربیان، این دوره می تواند مقدمه خوبی جهت آموزش مهارت های ساده به کودکان پیش دبستانی باشد. کنجکاوی زیاد و تقلید صریح از گفتار و کردار بزرگسالان توجه و دقت بیشتر والدین و مربیان را می طلبد؛ چرا که کودکان پیش دبستانی کوچک ترین حرکات و رفتارهای بزرگسالان را مورد دقت قرار می دهند و به یک درک باطنی از الگوی بزرگسال خود و احساسات آن ها نسبت به خود می رسند. رفتارهای غیر اخلاقی و ناهنجار و یا برخوردهایی توأم با بی مهری و کم توجهی تأثیر نامطلوبی بر شخصیت کودک خواهد داشت. در طی فرآیند رشد شناختی، کودک به تدریج مهارت های لازم برای یادگیری و درک تجارب جدید را می آموزد. با پیشرفت تکلم، کودک تعامل بیشتری با محیط پیدا می کند. وی هر روز از طریق بازی، تماشای تلویزیون و مشاهده اطراف خود اطلاعاتی به دست می آورد. وی به تدریج به کمک کلمات و نشانه ها به حل مسائل و ابراز افکار و احساسات خود می پردازد و با پرسش های مختلف به سراغ بزرگ ترها می آید، او با کسب اطلاعات جدید، به صورت مداوم درک خود را از دنیای اطرافش ساماندهی می کند. کودک در سن پیش دبستانی، دنیا را همانند یک فرد بزرگسال نمی بیند. در طی صحبت با او باید به یاد داشته باشیم که وی نگرش ها و دریافت های متفاوتی از بزرگ ترها دارد. به همین علت باید تلاش کنیم که در سطح ادراک و شناخت وی با او گفت و گو کنیم. کودک در سنین پیش دبستانی، تفکر خود محور دارد. وی تصور می کند که مرکز دنیا است و همه حوادث و اتفاقات در جهان برای او رخ می دهند؛ مثلاً زمانی که به رضا گفته می شود آرام تر بازی کند تا برادر بزرگش بتواند درس بخواند، وی قادر نیست خود را به جای برادرش تجسم کند و رفتار او به خاطر او تغییر دهد. نه بدین علت که وی خودخواه است، بلکه به این علت که توانایی شناختی لازم برای این کار را پیدا نکرده است تا دریابد هر تجربه ای در دیگران چه احساسی به وجود می آورد. او تنها دنیا را از زاویه دید خود می نگرد. کودک در سنین پیش دبستانی، ویژگی های انسانی را به اشیای بی جان نسبت می دهد. بنابراین زمانی که رضا در هنگام دویدن، با میز برخورد می کند و به زمین می خورد ممکن است بگوید این میز است که عمداً موجب زمین خوردن من شده است. کودک پیش دبستانی نمی تواند طول مدت زمان را دقیقاً درک کند. وی زمان را در ارتباط با برنامه روزانه اش درک می کند، بنابراین وقتی می خواهیم زمان انجام کاری را به او یادآوری کنیم، نیاز دارد که آن را در رابطه با کارهای روزانه بیان کنیم: مثلاً «وقتی پدر از سرکار برگردد، به پارک می رویم». کودک مفاهیم زمان های گذشته، حال و آینده را درک می کند؛ مثلاً ممکن است جملات «وقتی بزرگ شدم» یا «وقتی خیلی کوچک بودم» را به کار ببرد ولی برای درک دقیق تر زمان و دوره های زمانی طولانی نیاز به کمک دارد. مثلاً برای این که به وی نشان دهیم ۱۰ روز دیگر به مسافرت خواهیم رفت، می توانیم از یک تقویم بزرگ استفاده کنیم و

گذشت هر روز را با یک علامت مشخص کنیم. کودک در سنین پیش دبستانی، بسیار کنجکاو است. وی ممکن است هر روز ده ها پرسش را با شما مطرح کند. پاسخهای ما، باید ساده و در حد درک کودک باشد. تشویق کودک به فکر کردن در باره موضوعات مختلف و فرصت دادن به وی برای ابراز نظر خود، می تواند اعتماد او را به خود بیشتر کند.

هویت فردی، تمایزی با ثبات میان افراد است که در طول زمان تغییر نمی یابد. هویت در اسناد بین المللی و حقوق داخلی کشورها به عنوان «حق» مورد حمایت قرار گرفته است. نظر به اینکه محو هویت افراد معمولاً در کودکی صورت می گیرد که وی تسلط بر عناصر هویتی خود ندارد، حمایت از هویت کودک از اهمیت بالایی برخوردار می گردد.

کنوانسیون حقوق کودک تنها سند الزام آور بین المللی است که مورد پذیرش غالب کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. اینک عناصر هویت در کنوانسیون حقوق کودک و هم چنین الزام هایی که این کنوانسیون و دیگر اسناد بین المللی بر احترام به هویت کودک و تلاش بر حفظ آن قرار داده اند را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. عناصر هویت: حفظ هویت با حفظ عناصر آن میسر است و عناصری که در اسناد بین المللی برای هویت کودک شناخته شده است عبارتند از: نام و نام خانوادگی، تابعیت یا ملیت و روابط خویشاوندی.
۲. تضمین های هویت کودک: کنوانسیون هویت کودک به تضمین های هویت طفل نیز توجه کرده است. از جمله این تضمین ها می توان به الزام به ثبت ولادت، الزام به ثبت ولادت و حفظ ارتباط خانوادگی اشاره کرد (اسدی، ۱۳۸۷).

هویت ملی هر ایرانی در واقع بالاترین سطح هویت جمعی است که رابطه انسان با کشور را نشان می دهد. هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش هایی از خود است؛ اینکه چه کسی بوده و چه هست، خاستگاه اصلی و دائمی اش کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروز چه جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی دارد و بالاخره ارزش های ملهم از هویت تاریخی او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مورد نظر، کارساز خواهد بود.

با توجه به اهمیت الگوها در شکل گیری شخصیت و حیات فردی و اجتماعی کودک، می توان الگوها را به شکل مستقیم و غیرمستقیم، مربی کودکان دانست. فقدان الگوهای برخاسته از هویت ملی و مذهبی جامعه، منجر به بیگانه شدن کودکان می شود؛ کودکانی که نسل جوان و آینده را می سازند و میراث دار فرهنگ آن جامعه محسوب می شوند. زیرا هویت هر جامعه ای برگرفته از فرهنگش است. صالحی امیری در کتاب «دیپلماسی فرهنگی» می نویسد: فرهنگ هویت دهنده است و در واقع رکن اساسی شخصیت و هویت انسانی ملتها در فرهنگ و میراث تاریخی آنها نهفته است (صالحی امیری، ۱۳۸۹). ناصر باهنر معتقد است مفهوم هویت فرهنگی تا حد زیادی با میراث فرهنگی (آنچه از گذشتگان به ارث رسیده است) ارتباط دارد (باهنر، ۱۳۸۵).

قدمت یک کشور به اندازه ی قدمت فرهنگ و پیشینه ی تاریخی و تمدنی آن است. ماندگاری یک فرهنگ نیز به طور مستقیم به انتقال سینه به سینه مؤلفه های آن بستگی دارد. پایه و بنای یک فرهنگ، اسطوره ها، الگوها، نمادها و اسوه هایی هستند که رفتار، کردار و اعمال شاخصی داشته اند و باعث پویایی، رشد و پیشرفت آن جامعه بوده اند؛ الگوهایی که خود در درون آن فرهنگ پرورنده



شده‌اند. وقتی فردی فرهنگی را می‌پذیرد، یعنی تمام مشخصه‌های آن را درونی می‌سازد و رفتاری که خروجی آن است کاملاً با باورها، اعتقادات و نگرش‌های آن فرهنگ پذیرفته‌شده مطابقت دارد. در نتیجه، انتظار می‌رود سیاست‌گذاران و فعالان رسانه‌ای حوزه‌ی کودک، ویژگی‌های افرادی نظیر سلمان فارسی، پوریای ولی، آرش، فریدون، رستم و ... را برای کودک ایرانی به تصویر کشند تا خلق‌و‌خوی این کودک در چارچوب فرهنگ اسلامی و ملی پرورش یابد.

حتی این موضوع قابل اهمیت است که ساخت شخصیت‌های خیالی بدون وجود خارجی نیز باید در داخل همان فرهنگی صورت گیرد که کودک متعلق به آن است. این ساختن هیچ منافاتی با حقیقت ندارد، زیرا شخصیت خیالی با کنار هم قرار دادن خصلت‌های نیک یک فرهنگ، به مرحله‌ی خلق می‌رسد.

به نظر می‌آید جای خالی اسطوره‌های ایرانی در شکل‌گیری هویت کودکان ایرانی، در جامعه‌ی امروزی مشهود است و هر ایرانی آن را احساس می‌کند؛ تا جایی که کودک ایرانی مرد عنکبوتی را بهتر از پوریای ولی و بتمن را بهتر از رستم می‌شناسد. این شاید زنگ خطری است برای فرهنگی غنی که اسطوره‌هایش را امروزی نکرده و در زمان‌های پیشین جا گذاشته است.

ابعاد هویت ملی و ایرانی کودکان:

بعد اجتماعی هویت ملی

این بعد از هویت ملی در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است. به تعبیری یک "ما"ی اجتماعی شکل می‌گیرد. احساس تعلق به اجتماع ملی جوهره بعد اجتماعی روابط دوستانه و عاطفی است (گودرزی، ۱۳۸۵). یعنی اعتقاد به وجود و ضرورت وجود جامعه ملی، احساس تعهد افراد به اجتماع ملی، پذیرش یکدیگر به عنوان هم وطن، نگرش مثبت به دیگران متعلق به ملت، باورهایی در باب ریشه‌های اجتماع ملی، اعتقادات راجع به سرنوشت و آینده جامعه، افتخار به عضویت در این جامعه و علاقه و تمایل به پرداختن هزینه‌های لازم برای عضویت خود و تداوم حیات این اجتماع و نگرش نسبت به مبانی همبستگی و همکاری اجتماعی در هویت ملی و فرهنگی این اجتماع با شاخصه‌های فرهنگی تاریخی تعریف می‌شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۸).

بعد تاریخی هویت ملی

تحولات تاریخی در شکل دادن به احساس تعلق و دلبستگی به یک مجموعه هویتی کاملاً تاثیرگذار است. شکست‌ها، پیروزی‌ها، شیرینی‌ها و تلخی‌های تاریخ یک ملت همواره از سوی افراد با احساس دلبستگی قرین است و در شکل دادن به انگاره‌های جمعی مؤثر است. بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن. این احساس سرنوشت‌پنداری، نسل‌های مختلف یک ملت را به هم پیوند می‌دهد.



آگاهی نسبت به گذشته تاریخی و تعلق خاطر به آن سه بعد دارد: نخست، دانش تاریخی به معنای آگاهی از حوادث مهم و شخصیت های تاریخی. دوم، تعلق خاطر به معنای وجود احساسات و عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث و شخصیت های مثبت و منفی. سوم، اهتمام تاریخی به معنای اهمیت دادن به وقایع تاریخی (گودرزی، ۱۳۸۵).

بعد جغرافیایی هویت ملی

محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می آید. برای شکل گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد. تعریف هویت در بعد جغرافیایی عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک کشور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان بروز خطر، مرجح دانستن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرفتن سرزمین مشخص به عنوان کشور، علاقه مندی به یکپارچگی سرزمین در آینده، رویکرد و نگرش مثبت به سرزمین خود، احساس آرامش و آسایش در صورت زندگی در آن (ابوالحسنی، ۱۳۸۸).

بعد فرهنگی هویت ملی

فرهنگ به عنوان شناسنامه یک ملت است و هویت فرهنگی، به عنوان سند تاریخی تلاش ها و خلاقیت ها، افتخارات و در مجموع فراز و فرودهای افتخار آمیز یا عبرت آموز گذشته و حال یک ملت محسوب می شود. حفظ هویت فرهنگی هر ملتی در تعامل با سایر فرهنگ ها، دغدغه وطن دوستانی است که از آبخور آن فرهنگ سیراب شده اند و با لالایی آرام بخش و جان نواز مام میهن در بستر آن فرهنگ رشد و تکامل فکری و معنوی پیدا کرده اند.

این بعد از هویت ملی بر میراث فرهنگی مشترک یک ملت که توافقی همگانی نسبت به آن دارند، دلالت دارد. این میراث فرهنگی مشترک، مجموعه ای از آثار معماری، شیوه های زندگی، سنت ها، اعیاد، اسطوره ها، نمادها و سمبل ها، عرف، ادبیات شفاهی، هنر های ملی و بومی، لباس، طرز پوشش و عناصری از این دست را شامل می شود. جغرافیا و مؤلفه های اجتماعی را مهم ترین عوامل پیدایش تنوع زبانی دانسته اند. زبان، اساس مطالبات فرهنگی و ابزار توانمند سازی فرهنگ، سیاست و هویت است. از جمله کارکردهای زبان، تقویت هویت ملی است. هرچند نیروهای واگری دیگری نیز باشند (کاویانی راد، ۱۳۸۹). زبان هم محمل اندیشه و تفکر، هم عامل بازشناسی خویشتن خویش و هم عامل آفرینش های ادبی است (گودرزی، ۱۳۸۵). زبان هر ملت تنها وسیله سخن گفتن و رفع نیازهای روزانه وی نیست بلکه وسیله اندیشیدن، جهان بینی عمل اجتماعی، هویت اجتماعی و روابط خرد و کلان با یکدیگر و با جهان پیرامون و با زمان های گذشته، حال و آینده است (ابوالحسنی، ۱۳۸۸).

بعد سیاسی هویت ملی

تعلق خاطر افراد یک ملت به مبانی مشروعیت بخش و نظام سیاسی برآمده از آن را که به شکل حکومت تجلی پیدا می کند، بعد سیاسی هویت ملی قلمداد می کنند. بنابراین تنها تعلق قانونی یا فیزیکی به یک نظام سیاسی، بعد سیاسی هویت را شکل نمی دهد؛



بلکه احساس پذیرش و تعلق خاطر به مبانی ارزشی و نظام سیاسی برآمده از آن است که پذیرش را جاری و محقق می سازد. مهم ترین مؤلفه های بعد سیاسی هویت ملی را می توان در موارد ذیل برشمرد:

۱- دانش سیاسی یا آگاهی از نحوه کار نظام سیاسی

۲- مشارکت و نظارت

۳- علاقه به ملت

۴- تمایل به انجام فعالیت سیاسی

۵- اعتماد و اطمینان به نظام سیاسی

۶- پذیرش مشروعیت و کارآمدی حکومت

۷- وفاداری به نهادهای سیاسی (گودرزی، ۱۳۸۵).

نکته مهم در خصوص هویت ملی این است که هویت امری ذهنی، سیال و متحول است و دائماً در حال تغییر و دگرگونی می باشد. بدین شکل که برخی عناصر از هویت ملی و فرهنگی یک ملت خارج و عناصر جدیدی به آن افزوده می شود. تصور بهره مندی از هویت دائم، تصویری مبتنی بر نادیده گرفتن تحولات زندگی بشر در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فنی است که در عصر و فرآیند جهانی شدن، ممکن به نظر نمی رسد.

بحث و نتیجه گیری

موضوع جهانی شدن و تأثیر آن بر فرهنگ و هویت ملی کودکان در تمام کشورها و از جمله ایران یکی از مهم ترین چالش ها در هر کشوری و از جمله ایران می باشد. بدون تردید، مهم ترین مسئله ایران امروز و فردا در سطح ملی و قومی، مسئله هویت و جهانی شدن است. جهانی شدن یک پدیده ی دو چهره است که توأمان فاصله زا و فاصله زدا، پیوندزا و پیوندزدا، هویت زا و هویت زدا است. فرآیند جهانی شدن نه مثبت است و نه منفی. جهانی شدن نوعی انطباق است و به توان انطباق کشورها در شرایط جدید وابسته است و شرط ورود توانایی و آمادگی رقابت از سوی کشورها است. جهانی شدن که لزوماً منجر به حذف و نه منجر به تقویت هویت های ملی نمی شود، بلکه تأثیرگذاری آن مشروط است، هم می تواند به عنوان چالش و هم به عنوان فرصتی فراروی هویت های ملی باشد. با توجه به نقش هویت مشترک در شکل گیری جنبش ها و اینکه پدیده جهانی سازی نیز به تبلور هویت های ملی و منطقه ای می انجامد تا آن جا که رابرتسون از مفهوم جدیدی بنام جهانی محلی نام می برد (شفیعی، ۱۳۸۲).

ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و جهانی شدن، موجب تغییر در جامعه ایرانی شده است که مهم ترین آن ها، نگاه و درک از دیگران (غیرایرانیان)، هویت چند بعدی و در نهایت انسان مدرن است. این فرآیند به عنوان فرآیندی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و



اقتصادی، ظرفیت ها و موقعیت هایی را پیش روی جهانیان گذاشته است که در پرتو آن، تعامل و اثرگذاری فرهنگ ها بر یکدیگر فزونی یافته است. در این فرآیند می توان نوع رابطه فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی را نه بر جدایی و تمایزپذیری فرهنگی، بلکه بر پیوستگی، تعامل و اثرگذاری فرهنگ ها بر یکدیگر دانست و دلایل گسترش روحیه و تمایلات جهان گرایانه در هویت ایرانی را در منشاء تاریخی آن یافت و جهانی شدن را صرف نظر از هرگونه قضاوت ارزشی، موجب تغییر در جامعه ایرانی دید.

باید توجه داشت که جدای از جهانی شدن، مفاهیم هویت و فرهنگ، حقایقی زنده و زاینده هستند که مدام در حال تطور می باشند و مرگ آن هنگامی رقم خواهد خورد که به واسطه ی تقلید محض، مسخ گردد. از این رو در شرایط کنونی، ما نیز به عنوان یک کشور اسلامی باید با توجه به فرصت ها و تهدیدهای ناشی از روند جهانی شدن، خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا ساخته و با اتکا به داشته های فرهنگ غنی ایرانی اسلامی خود، علاوه بر حفظ هویت خویش، با بهره گیری از ابزار برآمده از فرهنگ جهانی، درصدد جهانی کردن آن باشیم؛ چرا که هویت و فرهنگ، محصول آفرینش نیروهای انسانی و اجتماعی است که ظرف و مظهر آن را نیز تعیین می کند. بنابراین، هویت و فرهنگ بیش از هر بخش دیگری با جهانی شدن در ارتباط هستند. هویت های فرهنگی، ملی، دینی و اخلاقی بر بستر جهانی شدن شکل جدیدی به خود خواهند گرفت. پس نباید آنها را چون سنتی ثابت و تغییرناپذیر تقدیس کرد، بلکه می بایست این عناصر را فرآیندی شکل پذیر دانست که نه تنها می توانند خود را با وضعیت های نوین تطبیق دهند، بلکه در عین حال، اهداف و غایت آن را بازتعریف نموده و در عین انعطاف پذیری، انسجام خود را در عصر جهانی شدن حفظ کنند و بی گمان ایران جهانی شده نیز در حفظ هویت خویش، بیش از یک ایران منزوی و عقب مانده موفق خواهد بود؛ چرا که بدون جهانی شدن ما ایرانی نخواهیم داشت. جامعه ایرانی نیازمند تلاش برای یافتن جایگاه و منزلتی است که بتواند خود را به عنوان موجد و معمار حوادث اتفاقیه در محیط ملی و فراملی مطرح نمایند.

Archiv



منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸)، تعیین و سنجش مولفه های هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
- استیگلیتس، جوزف (۱۳۸۲)، جهانی سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی
- اسدی، لیلا سادات، دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، سال سیزدهم، شماره ۴۹
- باهر، ناصر، فناوری‌های رسانه‌ای و ایفای نقش‌های فرهنگی، رسانه (فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل جمعی)، سال هفدهم، تهران، ۱۳۸۵،
- شفیعی، جهان (۱۳۸۲)، «جنبش‌های اجتماعی در ایران، زمینه‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۱۳۸۲
- صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید، دیپلماسی فرهنگی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹،
- کاویانی راد، (۱۳۸۹)، ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی
- لطف آبادی، حسین، (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، فصل نامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، پاییز ۱۳۸۵
- Benveniste, L. (1999). The politics of educational reforms in the Southern Cone. Ph. D. dissertation, School of Education, Stanford University, USA.
- Carnoy, M. & Rhoten, D. (2002). What do globalization mean for educational change? A comparative approach. *Comparative Education Review*, 46, 1.
- Edwards, Richard, & Usher, Robin (2000). *Globalization and pedagogy: Space, place, and identity*. London: Routledge.
- Tierney, S. (Ed.) (2000). *Accommodating national identity: New approach in international and domestic law*. Boston: Kluwer Law International.